

درآمدی بر اصول سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قرآن کریم

دکتر فرج‌الله قاسمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۳/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره دهم - بهار ۱۳۹۰

چکیده

نوشتار حاضر تلاشی برای بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از منظر آیات قرآن کریم است. مهم‌ترین مسئله در این زمینه در جمهوری اسلامی ایران چگونگی سیاست‌گذاری اجتماعی است. از آنجا که شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اعتقادات دینی است، سیاست‌گذاری در این راستا نیز بر مبنای الگوی قرآنی استوار است.

واژگان کلیدی:

سیاست‌گذاری، قرآن، همزیستی مسالمت‌آمیز، آزادی، امنیت، امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نفی سبیل



مقدمه

بدون تردید یکی از تحولات بزرگ در تاریخ ایران، وقوع انقلاب اسلامی است که مانند هر حرکت و جنبش سیاسی - اجتماعی دیگر برای پیشرفت و رسیدن به اهداف خود نیاز به سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف دارد. با توجه به نقص جدی در این زمینه و ضرورت رسیدن به سیاست‌هایی اندیشمند به منظور پیشرفت و تحول جامعه اسلامی ایران و حرکت در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی، سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ارزش‌های اسلامی - قرآنی و باورهای عمیق مردم به اعتقادات دینی ضرورتی است که باید بدان پرداخت. آنچه باید بدان توجه کرد رویکرد همه‌جانبه و سراسری جهان اسلام در عصر جدید، و نیز رویکرد نهضت‌های اصلاحی به قرآن مجید و بازآوردن قرآن به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. تحول دیدگاه تفسیرنگاری از فردی و اخروی به دیدگاهی اجتماعی و عرفی در قرن گذشته و تاریخ معاصر مسلمانان حکایت از این امر دارد. لذا یکی از مشخص‌ترین خصوصیات و منابع تغذیه‌کننده اندیشه‌های اصلاحی فراگیر اسلامی بازگشت به قرآن است. تاریخ معاصر مسلمانان در جهان اسلام و ایران حکایت از بازگشت به قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع اندیشه و حرکت‌های اصلاحی آنان دارد (رک: خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۳۵).

اما با اینکه به قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع اندیشه‌ای و فکری نهضت‌های اصلاح‌گرایانه اسلامی تاریخ معاصر توجه شده است، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از قرآن و سیاست‌گذاری در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مورد توجه جدی اندیشمندان مسلمان قرار نگرفته است.

مفروضات

این نوشتار با پیش‌فرض‌های زیر تدوین شده است:

۱. از آنجا که سیاست‌گذاری‌ها باید بر فکر و نظریه سیاسی خاصی استوار باشد، پیش‌فرض اولیه این نوشتار آن است که نگرش حاکم بر عرصه‌های سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، نگرشی دینی و قرآنی است. اگرچه در ایران قبل از انقلاب اسلامی نگرش دولت‌های مختلف به این مسائل ماهیتی اسلامی نداشت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی تلاش حکومت در راستای حرکت در جهت اندیشه‌های اسلامی است. صرف‌نظر از موفقیت یا عدم موفقیت دولت‌های مختلف در این زمینه، این مقاله تلاش دارد با بهره‌گیری از قرآن کریم مؤلفه‌های سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران را بررسی کند.

در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان در حوزه سیاست‌گذاری به قرآن رجوع



کرد، باید گفت مضمون برخی آیات بر جامعیت قرآن کریم (رک: ایازی، ۱۳۸۰: ۲۰۲ و ۲۱۰) دلالت دارد که به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود:

«ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۳۸) (ما هیچ چیز را در این کتاب فرو گذار نکردیم). البته برخی کتاب را به معنای لوح محفوظ گرفتند.

«وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹) (و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است).

«وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا» (انعام/۱۱۴) (اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است).

«وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/۵۹) (و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است).

«وَ كُلِّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا» (اسراء/۱۲) (و ما همه چیز را مفصل بیان داشتیم). برخی آیات هم بر فرازمانی و فرامکانی بودن رسالت و قرآن دلالت دارند (رک:

انعام/۹۰، اعراف/۱۵۸، یوسف/۱۰۴، قلم/۵۲، فرقان/۱). حضرت علی(ع) هم در روایتی فرموده است: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق، الا ان فیه علم ما یاتی و الحدیث عن

الماضی و دواء داءکم»^۱ (شیخ رضی، ۱۳۹۵: ۲۲۳) بر اساس پیش‌فرض دین‌شناختی حداکثری شریعت در عرصه کمال دین می‌توان از یکی از عرصه‌های مورد نیاز

جامعه امروز که سیاست‌گذاری باشد، سخن به میان آورد. پیش‌فرض دین‌شناختی حداکثری شریعت به مفهوم «قوانینی که به اندازه حداکثر لازم برای تنظیم امور

فردی و اجتماعی انسان لازم است، در شریعت بیان شده و با اجتهاد در قرآن کریم و منابع و متون دینی دیگر می‌توان آنها را به دست آورد». بر اساس این پیش‌فرض،

ولایت که خود بخشی از احکام شریعت است، تنها به منزله قوه مجریه احکام سیاسی نیست، بلکه سازوکار رهبری و صدور حکم برای تنظیم روابط، تقدیم اهم

و مهم و چاره‌جویی هنگام تزامن احکام و مصالح است. از این رو، شریعت با تعبیه احکام ثابت و متغیر و تمهیداتی مانند استمرار ولایت و غیر آن سازوکاری برای

تطبیق اصول اسلامی با نیازهای متغیر انسانی در اوضاع و احوال متفاوت پیش‌بینی کرده است. از این نظر، دایره نیاز انسان به قانون دقیقاً با آنچه شریعت آورده، برابر و

مساوی است و در شریعت، قانون، شکل و ارزش‌های یک نظام الهی-سیاسی بیان شده است» (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

غزالی در این زمینه می‌نویسد: «این علوم، چه آنهایی که شمار کردیم چه به

۱. قرآن را به سخن آورید که هرگز خود سخن نمی‌گوید... بدانید علوم آینده، اخبار گذشته و داروی بیماری‌های شما در قرآن است.



مواردی که اشاره نکردیم، ریشه آنها از قرآن خارج نیست، زیرا همه آنها از دریای واحدی از دریا‌های معرفت الله سرچشمه گرفته‌اند و آن دریای افعال است.

این دریا ساحلی ندارد: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي» (کهف/۱۰۹) (بگو: «اگر دریاها برای [نوشتن] کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد هر چند همانند آن [دریاها] را کمک آن قرار دهیم!») پس از افعال الهی، از دریای افعال، شفا و مرض است که خداوند از قول ابراهیم حکایت می‌کند که «و اذا مرضت فهو یشفین» (الغزالی، ۱۹۸۵: ۲۶).

ابن مسعود نیز گفته است: «خداوند در قرآن هر علمی را نازل و هر چیزی را برای ما بیان کرده است» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۱۰۸).

نوشتار حاضر در روند سیاست‌گذاری از آیات قرآن کریم بهره خواهد گرفت؛ نه به این معنا که تمام جزئیات مربوط به این حوزه در قرآن آمده، بلکه از آنجا که قرآن کتاب هدایت است «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲) و حوزه سیاست و سیاست‌گذاری نیز مرتبط با هدایت انسان است، هر آنچه هدایت و سعادت دنیایی و اخروی انسان بر آن متوقف است، در قرآن کوتاهی نشده است. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: «در قرآن مجید نسبت به هر آنچه سعادت دنیایی و آخرتی انسان متوقف بر معرفت آن است، کوتاهی نشده است. خدای تعالی در جای دیگر می‌فرماید: «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۸۲-۸۱).

۲. پیش‌فرض دیگر این نوشتار لزوم سیاست‌گذاری، شناخت مشکل^۱ و حل آنها در راستای منافع ملت توسط حکومت است. البته این مسئله لزوماً به معنای اجرای آنها توسط دولت و مداخله دولت در امور دیگران و نقش کنترلی دولت نیست، بلکه دولت می‌تواند نقش نظارتی، حمایتی و پرورشی در این زمینه داشته باشد. ناگفته نماند دخالت دولت در عرصه سیاست‌گذاری در تاریخ جمهوری اسلامی تانگوش دولت نسبتاً حداقلی که امروز در برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز مشاهده می‌شود، متغیر است. برای مثال، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده توسط شورای انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱ (اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱) تصدی‌گری دولت و دولت‌گرایی را به نمایش می‌گذارد: «دیدگاه تدوین‌کنندگان اصول سیاست فرهنگی نگاهی از بالا به پایین و نگاه دولتی به تمام عرصه‌های فرهنگی کشور است... بر این اساس بخشی وسیع از فعالیت فرهنگی دولتی است و فعالیت بخش خصوصی در این زمینه نیز به شدت وابسته به دولت است» (حسین لی، ۱۳۷۹: ۱۲).

اما روح حاکم بر برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم گرایش از تصدی‌گری دولت به سمت نظارت است که عملی ساختن این تغییر نگرش بر مبنای تغییرات تدریجی^۱ استوار است نه تغییرات شتاب‌زده و رادیکال و نه توقف آن.

۳. از مفروضات دیگر در ادامه مفروض قبل، امکان وضع سیاست و سیاست‌گذاری و مهندسی آن در عرصه‌های مختلف توسط حکومت است، زیرا سیاست‌های اجتماعی جامعه کنترل‌پذیر است و حکومت می‌تواند جامعه را به سمت اهداف تعیین‌شده سوق دهد. البته همان‌گونه که بیان شد، نه در شکل افراطی و به معنای پذیرش نقش تصدی‌گری و کنترل‌کننده حکومت، بلکه به مفهوم سیاست‌گذاری با جنبه نظارتی و مدیریتی.

۴. آخرین مفروض این نوشتار کلان‌نگری در سیاست‌گذاری و پرهیز از نگاه خرد به مسائل در عرصه‌های مختلف است.

مفهوم سیاست‌گذاری

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره وجود چیزی که دقیقاً بتوان آن را سیاست‌گذاری^۲ نامید، تردید وجود دارد یا نقص بزرگی در این زمینه مشاهده می‌شود. جز سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱، و برنامه‌های پنج ساله توسعه توسط دولت که کارآمدی کافی ندارند، متن و سند جامعی دیده نمی‌شود. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز در عمل مقدمه‌ای اساسی به چشم نمی‌خورد. به طریق اولی سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران در سه دهه اخیر با استفاده از منابع اصیل اسلامی از جمله قرآن کریم و توجه به باورها و ارزش‌های مذهبی جامعه با نقضی عمده مواجه بوده است. البته این به معنای فقدان سیاست کلان در این زمینه نیست، بلکه حاکی از نقضی بزرگ است که ضرورت پرداختن به آن از مهمات است. لذا پرداختن به این مسئله با هدف تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی ضروری است و نخبگان در این زمینه وظیفه‌ای خطیر بر عهده دارند.

مفهوم سیاست‌گذاری به تبع پیچیدگی و تنوع در مفهوم سیاست دچار پیچیدگی و تعدد معانی است. سیاست‌گذاری عبارت است از «هر آنچه حکومت تصمیم به انجام یا عدم انجام آن می‌گیرد». فیلیپ برو معتقد است سیاست‌گذاری‌های عمومی تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) هستند و آنها را می‌توان به عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیم‌ها و اعمالی در

1. Incrementalism
2. Policy-Making



نظر گرفت که قابل انتساب به اقتدار عمومی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی هستند (مجید، ۱۳۸۰، ش ۵۲: ۱۸۶). اما سیاست‌گذاری در نوشتار حاضر «فرآیند تعیین و تدوین آگهانه و هدفمند اصول کلی حاکم بر امور مختلف جامعه توسط حکومت به منظور رسیدن به وضع مطلوب با الهام از باورها و ارزش‌های مذهبی حاکم بر جامعه است». رسیدن به این وضعیت نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت دارد و هر کدام بحث مستقلی می‌طلبند که از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

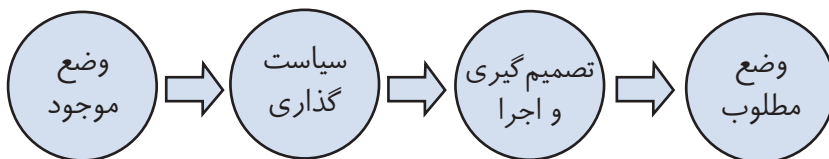
در این حوزه محقق درصدد پاسخ به این مسئله است که چگونه سیاستی عمومی یا یک خط‌مشی تهیه می‌شود.

اما در اینکه صلاحیت سیاست‌گذاری و هدایت خط‌مشی جامعه در موضوع سیاست‌گذاری بر عهده کیست، باید یادآور شد از منظر قرآن کریم، این صلاحیت پس از خداوند، در اختیار رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، و در زمان غیبت ولی عصر (عج) در اختیار حاکم مشروع است (رک: امام خمینی، الرسائل، ۱۳۶۸: ۵۰؛ طباطبایی ج ۴: ۴۱۴ - ۴۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۴؛ منتظری، ج ۱: ۶۹ - ۶۸).

روش

چارچوب تحلیلی مناسب و مورد استفاده در نوشتار حاضر الگوی «وضع موجود، وضع مطلوب و اجرا» است؛ بدین صورت که کارآیی حکومت نیازمند شناخت «چگونه بودن» عملکرد حکومت است و در مرحله بعد می‌توان درباره «چگونه باید بودن» آن به ارائه نظریه پرداخت. در این روش عملکرد حکومت و تصمیم‌گیران به سه مرحله وابسته به هم تقسیم می‌شود:

۱. مرحله شناخت و بررسی وضع موجود و مشکلات حکومت؛
۲. مرحله ارائه راه‌حل‌ها و سیاست‌گذاری به منظور حل مشکلات و رسیدن به وضع مطلوب با توجه به قرآن کریم؛
۳. مرحله تصمیم‌گیری و اجرا با توجه به سیاست‌ها و راه‌حل‌های مختلف.



شکل ۱- مراحل روشی سیاست‌گذاری ایده‌آل

«سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قرآن کریم» با توجه به مراحل شناسایی مشکل و ارائه راه‌حل، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مشکلات در این حوزه، سیاست‌گذاری عمومی است. مشکل عمومی عبارت است از نارضایتی، محرومیت و نیازهایی که در جامعه شناسایی و برای آنها راه‌حل جست‌وجو می‌شود. این مشکلات برگرفته از مسئله اکولوژی یا بوم‌شناسی است که نشان از ضرورت شناسایی دقیق آداب، سنت‌ها، هنجارها و رویه‌های جامعه دارد. جامعه اسلامی ایران باید با توجه به هویت مذهبی- نشأت‌گرفته از قرآن- طرحی خاص برای حل این مشکلات به صورت بلندمدت ارائه دهد. مرجعیت این سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌ها در عرصه‌های مختلف بر اساس مبانی دینی در عصر حاضر بر عهده «ولایت فقیه»، حاکم جامعه اسلامی، است.

پس از شناخت مشکل، کارگزاران حکومتی به بررسی آن پرداخته و با مشورت متخصصان، پیشنهادهایی ارائه می‌کنند.

مرحله پس از مطالعه و ارائه راه‌حل، مرحله تصمیم‌گیری و اجراست. تصمیم‌گیرنده با توجه به راه‌حل‌های مختلف به یک خط‌مشی رسمیت می‌دهد و آن را به اجرا می‌گذارد. اجرای این خط‌مشی پس از تصمیم‌گیری توسط مصدر بر عهده زیرمجموعه است.

عرصه‌ها و مفاهیم سیاست‌گذاری با بهره‌گیری از قرآن (مسائل و مشکلات)

ترسیم اصول سیاست‌گذاری یکی از اهداف حکومت‌هاست که برای پیشبرد و بسط کارآمدی آنها ضروری به نظر می‌رسد. اصول^۱ و مفاهیم^۲ سیاست‌گذاری اجتماعی اندیشه‌های راهبردی را شکل می‌دهند که زیربنای سیاست‌گذاری در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به مثابه ارزش‌اند. به عبارتی، شناخت این اصول، مفاهیم و مسائل، بخش بنیادین سیاست‌گذاری و حاکی از ارزش‌ها و هنجارهای^۳ جامعه است و براساس اهم مشکلات مطرح و وضع موجود در جوامع ترسیم شده است. لذا اصول سیاست‌گذاری محدود به امور یادشده نیست. سیاست‌گذاری با مبانی قرآنی سعی دارد این اصول و ارزش‌ها را در راستای وضع مطلوب و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - قرآنی در کنار هم در اولویت قرار دهد نه اتخاذ یکی از آنها؛ چنان که برخی از مکاتب سیاسی ممکن است اصل برابری را در اولویت قرار دهند و مکتبی دیگر بر اصل آزادی تأکید کند. همزیستی مسالمت‌آمیز، آزادی، امنیت، عدالت، برابری، رفاه، وحدت، شورا، شایسته‌سالاری،

1. Principles
2. Conceptions
3. Norms

مردم‌سالاری، امر به معروف و نهی از منکر، نفی سبیل و... را می‌توان از جمله مسائل عمومی در جمهوری اسلامی ایران بیان کرد.

۱. پذیرش تفاوت‌های اجتماعی- فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق دیگران

گوناگونی فرهنگی پدیده‌ای جدید نیست که به اجتماعات بشری معاصر اختصاص داشته باشد. تنوع فرهنگی تاریخی به قدمت تاریخ حیات جمعی انسان‌ها دارد. بدیهی است در این میان اندیشه‌هایی توان ایفای نقشی فعال در تعامل با این وضعیت را خواهند داشت که از تمام ظرفیت‌های موجود در عرصه اندیشه‌ورزی و مدیریت بهره ببرند و با آگاهی به این عرصه وارد شوند. حکومت جمهوری اسلامی باید با استفاده از این ظرفیت‌ها به سمت وحدت گام بردارد. از جمله اصول اساسی سیاست‌گذاری چنین حکومتی احترام به هویت‌های مختلف سرزمینی و پذیرش تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی است. این حکومت باید با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی به منظور تحقق بخشیدن به یک زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز گام بردارد و زمینه را برای همبستگی انسانی در دولت اسلامی فراهم آورد. در حکومتی که سیاست‌گذاری‌های آن مبتنی بر آیات قرآن است، نباید در برخورد با پیروان ادیان و فرهنگ‌های متفاوت دیگر به مقدسات و چهره‌های مورد احترام آنان بی‌احترامی کرد، زیرا چنین برخوردهایی به جای تفکر آزاد و انتخاب صحیح عقلانی موجب تنش، دشمنی و بدبینی خواهد شد. «و لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸) (آیه معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها [نیز] از روی [ظلم و] جهل خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عمل‌شان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد [و پاداش و کیفر می‌دهد]. آن‌گونه که از بعضی روایات استفاده می‌شود، جمعی از مؤمنان که از بت‌پرستی به شدت ناراحت بودند، گاهی بت‌های مشرکان را به باد ناسزا می‌گرفتند. قرآن به صراحت این کار را نهی می‌کند و رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان را حتی در برابر خرافی‌ترین و بدترین ادیان لازم می‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۹۴).

از عموم تعلیل که از جمله «كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ» فهمیده می‌شود، عموم نهی را افاده می‌کند و نهی از هر کلام زشتی برای مقدسات دینی است. به



کارگیری هر تعبیر ناروا و نازیبایی که به تحریک و موضع‌گیری دیگران در برابر مقدسات اسلامی منجر شود، ممنوع است (طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۷: ۳۱۶-۳۱۵). تکیه بر نقاط اشتراک میان پیروان ادیان مختلف به ویژه ادیان آسمانی و ابراهیمی همانند عقیده به یگانگی مبدأ هستی، معاد و زندگی اخروی و... موجب نزدیکی و اتحاد آنان می‌شود. لذا دستورهای روشنی مبنی بر لزوم رعایت احترام در برخورد با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر و نیز توجه به نقاط اشتراک فی‌مابین وجود دارد. از طرفی، احترام به حقوق دیگران از منظر قرآن امری لازم‌الاجراست، زیرا انسان خلیفه خدا روی زمین و اشرف مخلوقات عالم است.

قرآن کریم ضمن برتر دانستن قرآن کریم و دین اسلام، هرگونه انحصارطلبی و تخطئه پیروان ادیان دیگر برای انحصاری دانستن حقانیت عقیده خود و باطل دانستن شرایع دیگر، از جمله شریعت اسلام را مردود دانسته است. تفکر انحصارطلبانه و تنگ‌نظری دینی و عدم رضا به زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران در قرآن به شدت نهی شده است (رک: بقره/ ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۳۵؛ مائده/ ۶۹ و ۱۸؛ حج/ ۱۷؛ ممتحنه/ ۸).

بر این اساس از اصول سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران پذیرش تنوع و تفاوت‌های فرهنگی و تحکیم پیوندها میان اجتماعات انسانی در ابعاد داخلی و خارجی است. این حکومت باید شرایطی مهیا کند تا همه افراد و جوامع انسانی به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند و در جست‌وجوی آرامش اخلاقی باشند. تکیه بر مسئله انتظار و مهدویت می‌تواند نقشی مؤثر در وحدت‌بخشی و ایجاد مسالمت بین ادیان و گروه‌های مختلف ایفا کند. به عبارتی، پذیرش گروه‌ها و اندیشه‌های متفاوت در دین اسلام و سایر ادیان و دعوت به صلح در راستای وحدت‌بخشی همه ادیان جهان و برابری همه مردم اصلی اساسی در سیاست‌گذاری حکومت‌های دینی است.

۲. عدالت

این اصل در مباحث سیاست‌گذاری جایگاهی مهم دارد و از اصول مهم و جاودانه در نظام اسلامی است که قوام حقیقت حیات انسان بر آن مبتنی است (بالعدل قامت السموات و الارض) (احسان، ۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۳). هم‌چنین کثرت آیات درباره عدل بیانگر اهمیت جایگاه این مفهوم در قرآن است (رک: الرحمن/ ۱۰-۷؛ مائده/ ۸؛ نساء/ ۱۳۵ و نحل/ ۹۰). عدالت از مفاهیم مورد توجه رهبران فکری و مصلحان اجتماعی است. به گواهی قرآن کریم، فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار متعال نیز اجرای عدالت بوده و ایجاد جامعه‌ای عادل سرلوحه اهداف



والای انبیای عظام الهی به عنوان راهبران حقیقی انسان‌ها به سوی سعادت دنیا و آخرت، قرار داشته است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) (به راستی [اما] رسولان خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب [آسمانی] و ترازو [شناسایی حق] از باطل و قوانین عادلانه [نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند).

با سیاست‌گذاری در عرصه عدالت می‌توان به جامعه‌ای عادلانه‌تر دست یافت. حال باید پرسید مناسب‌ترین مفهوم عدالت در عرصه سیاست‌گذاری حیات اجتماعی کدام است؟

از جمله تعاریف عدالت «مساوات، ضد ظلم، عدم افراط و تفریط، برابری فرصت‌ها و انصاف» است. راغب اصفهانی در تعریف لغوی عدالت می‌گوید: «عدالت کلمه‌ای است که در معنای مساوات به کار رفته است» (الاصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۵۱). قیومی در مصباح المنیر گفته است: عدالت به معنی میانه‌روی در امور و نقطه مقابل جور یا ستم است. عدالت صفتی است که مراعات کردن آن باعث دوری از کارهایی می‌شود که به مروت و جوانمردی آسیب می‌رساند. (قیومی، ج ۶: ۶۹-۶۸). دهخدا عدالت را به معنای عدم افراط و تفریط می‌داند (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۴: ۱۲۱) و اللبنانی الشرتونی عدالت را به مفهوم ضد جور گرفته است (اللبنانی الشرتونی، ۱۳۷۴).

می‌توان گفت عدالت به مفهوم «اعطاء کل ذی حق حقه» یا «وضع کل شی فی موضعه» است. در عرصه حیات اجتماعی به معنای کاربرد مصداقی اصل عدل در عرصه‌های نظری و عملی سیاست و اجتماع است؛ بدین معنا که «به هر امری هر آنچه سزاوار است تعلق گیرد و هر چیز و هر کس در آنجا که مستحق آن است، قرار گیرد».

زیبایی تابلویی زیبا، انسانی زیبا و منظره‌ای زیبا به این است که هر چیزی سر جای خود قرار دارد. در عدالت نیز باید هر چیزی به بهترین نحو سر جای خود قرار گیرد. هر قدر هارمونی‌ها بالاتر، تجانس، تناسب، تقارن و توازن بالاتر است. نقطه مقابل آن ظلم و جور است که به معنی برهم‌خوردن تناسب و سزاواری‌هاست.

لذا نباید عدالت را تساوی، برابری مطلق و نفی هر گونه تبعیض دانست، زیرا این معنی ایجاب می‌کند که هیچ استحقاقی رعایت نشود و به همه به یک چشم نظر شود و این عدالت عین ظلم است.

همان‌گونه که بیان شد، در قرآن کریم بسیاری آیات بر برقراری عدالت در جامعه تأکید می‌کنند و استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف اساسی و فلسفه بعثت انبیا می‌دانند. یکی از آیاتی که به عدالت در سیاست‌گذاری در عرصه



اجتماع اشاره دارد آیه ۹۰ سوره نحل است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید). علامه طباطبایی ذیل این آیه درباره عدالت اجتماعی، ضمن اشاره به معانی و مصادیق عدالت به وضوح بر اهمیت عدالت اجتماعی تأکید کرده است.

سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت در قرآن از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) عدالت در قضاوت و داوری

از جمله عرصه‌هایی که می‌توان از آیات قرآن در راستای سیاست‌گذاری استفاده کرد عدالت در قضاوت و داوری است که حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان جامعه‌ای اسلامی بسیار به آن نیازمند است. در آیاتی از قرآن کریم مردم و انبیا الهی به داوری عادلانه دعوت شده‌اند:

- «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶) (ای داوود، ما تو را خلیفه و نماینده خود) در زمین قرار دادیم پس میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد. کسانی که از راه خدا گمراه شوند، [به سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت).

با آمدن «فا» بر سر جمله «فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» حکم به حق کردن بین مردم را نتیجه، و فرع آن را خلافت خداوند قرار داده است.

- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء/۵۸) (خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند اندرزه‌های خوبی به شما می‌دهد. خداوند شنوا و بیناست. آیه می‌گوید خداوند به شما فرمان داده است هنگامی که میان مردم قضاوت و حکومت می‌کنید، از روی عدالت حکم کنید.

- «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس/۴۷) (وقتی پیامبر هر امتی به سوی آن امت آمد و رسالت الهی را به آنان ابلاغ کرد، در آن زمان خدای تعالی بین آنان قضا به حق و عدل می‌راند، بدون اینکه به آنان ستم روا بدارد).



ب) عدالت در برخورد با گناهکاران و دشمنان

از موارد دیگر اجرای عدالت در جامعه اسلامی، اجرای عدالت حتی در برخورد با گناهکاران و دشمنان است:

- رعایت این اصل به زندگی اجتماعی مسلمانان محدود نمی‌شود. خداوند به رسولش می‌فرماید در برابر اهل کتاب نیز از مرز عدالت خارج نشود و هنگام داوری میان یهودیان و ترسیان با عدالت داوری کند: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنَّ جَاوِكَ فَاحِكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحِكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده/۴۲) (آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان می‌خورند. پس اگر نزد تو آمدند، میان آنان داوری کن یا [اگر صلاح دانستی] آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف‌نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد.)

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/۸)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از [معصیت] خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.) در این آیه خداوند حتی هنگام دشمنی با دیگران که امکان انحراف و ظلم به دشمن وجود دارد، می‌فرماید دشمنی با اشخاص و اقوام شما را به انحراف از حق نکشاند. عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است. لذا دشمنی، خصومت و بی‌دینی نمی‌تواند توجیه‌گر ظلم و بی‌عدالتی باشد. با توجه به این آیه به طریقی اولی با افراد مسلمانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند و با افکار و عقاید ما هماهنگ نیستند باید با عدالت رفتار شود.

ج) عدالت در گفتار

از موارد دیگر سیاست‌گذاری و اجرای عدالت که از ضروریات جامعه امروز ماست، عدالت در گفتار است. «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (انعام/۱۵۲) (و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت کنید.) عدالت در گفتار موجب همبستگی میان مردم و مسئولان، و عدم آن موجب تفرقه می‌شود. دنیای ارتباطات امروز مبتنی بر گفتار، نشان از ضرورت سیاست‌گذاری عادلانه در این عرصه دارد. بر این اساس باید به عدالت با دیگران سخن گفت.



در برخی آیات به گفتار و رفتار حق تأکید شده که مراد از حق همان عدل است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۱۹۴). «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (زمر/۶۹) (و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد.) «وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ» (غافر/۲۰) (خداوند بحق داوری می‌کند).

۳. آزادی

آزادی از اصول دیگر در عرصه سیاست‌گذاری است که جایگاه اساسی در جامعه اسلامی دارد.

اگر انسان‌ها ناگزیر باشند در زندگی سیاسی و اجتماعی خود آنچه را به آنان دیکته می‌شود انجام دهند، نمی‌توانند به زوایای وجود انسانی خود دست یابند و از مسیر تکامل باز می‌مانند. برای رسیدن به این مهم انسان‌ها باید آزاد باشند و از آزادی برخوردار شوند. در اصل این مسئله معمولاً اجماع نظری بین اندیشمندان وجود دارد، ولی مشکل اینجاست که چه کسی یا کسانی مفهوم آزادی را بیان کنند؟ یا بر چه اساسی آزادی محدود شود و بر اساس آن در جامعه در زوایای مختلف سیاست‌گذاری انجام گیرد؟ برای جلوگیری از این مشکلات که در جمهوری اسلامی ایران نیز شاهد آن هستیم باید سراغ قرآن کریم برویم و به حل مشکل بپردازیم.

آزادی برای بشر امری مطلوب و پسندیده است اما نه به معنای رهایی از هر گونه قید و بند که خود نفی‌کننده آزادی است. آزادی در اسلام آزادی از هر گونه بردگی و بندگی غیرخدا و رهایی از قید و بندهای بشری است. برای آزادی اقسامی متصور است، از جمله آزادی فلسفی، آزادی اخلاقی، آزادی عرفانی، آزادی حقوقی و آزادی سیاسی که تمرکز ما در این بحث بر قسم حقوقی و سیاسی است.

الف) آزادی عقیده

از موارد سیاست‌گذاری در جامعه جمهوری اسلامی با استناد به قرآن بحث عقیده است. آیا می‌توان دیگران را به پذیرش عقیده‌ای خاص مجبور کرد؟ آیا انسان‌ها در پذیرش عقیده آزادند؟

طبق فرموده قرآن، هرکس در عقیده و دین‌داری آزاد است و بر هیچ‌کس نمی‌توان دین یا مذهبی خاص را تحمیل کرد و اکراه و اجبار در عقاید ما راهی ندارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶). این عدم اجبار یا ناشی از تعلیلی است که در جمله بعد آمده «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» بدین معنا که امور مهمی که خوبی

و بدی و خیر و شر آنها واضح است، و حتی آثار سوء یا خیری که به دنبال دارند، معلوم است، در چنین جایی نیازی به اکراه نخواهد بود، بلکه خود انسان یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب می‌کند و عاقبت آن را هم (چه خوب چه بد) می‌پذیرد و دین و اعتقادات از این امور است (طباطبایی، همان، ج ۲: ۳۴۳) یا به علت فرصت اختیاری است که خداوند بر اساس براهین حق و باطل به انسان اعطا کرده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵: ۴۶).

اما چنین آزادی به این معنی نیست که نتایج اعتقادی هر دو راه (دین‌داری و بی‌دینی) یکسان باشد. درست است که خداوند انسان را تکویناً آزاد آفریده، اما هرگز نفرموده نتیجه هر دو راه (ایمان و کفر) واحد است و او را به یک مقصد رهنمون می‌سازند. اگر آزادی و اختیار امری تکوینی است، ترتیب آثار آن نیز چنین است (جوادی آملی، همان، ص ۴۷۵).

لذا از منظر اسلام، آزادی عقیده لجام‌گسیخته نیست و حد چنین آزادی در مرحله عمل، نقض مصالح جامعه است. علی(ع) در مواجهه با خوارج تا زمانی که اقداماتشان جنبه براندازانه پیدا نکرد، در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد... آنها را زندانی نکرد و شلاق‌شان نزد و حتی سهمیه آنان را قطع نکرد... آنها در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه‌رو می‌شدند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه با دموکراسی رفتار کند (مطهری، ۱۳۴۹: ۱۴۳). اما هنگامی که آن فتنه‌انگیزان عملاً به مبارزه با امام برخاستند، پس از یأس کامل از تأثیر نصایح خود و یارانش، با آنان وارد جنگ شد و چشم فتنه را کور کرد (نهج البلاغه، خطبه‌های ۵۸، ۶۰ و ۹۳).

بر این اساس در جامعه اسلامی ایران هر گونه تحمیل عقیده ممنوع است و نمی‌توان دیگری را به جرم داشتن عقیده مخالف محکوم کرد؛ همان‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید شده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۳).

ب) آزادی اندیشه

آیا مردم در جامعه ما از آزادی فکر و اندیشه برخوردارند؟ آیا می‌توان در سیاست‌گذاری در این حوزه به آیات قرآن استناد کرد؟

قرآن کریم در موارد بسیاری مردم را به تفکر و تعقل فرا خوانده و بر شنیدن سخنان و انتخاب بهترین آنها تأکید کرده است. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا



آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص/۲۹) (کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند). هدف از نزول قرآن این بوده است که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها شود. قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴) (آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشید یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟) خداوند بر دل‌های آنانی که اهل اندیشه نیستند یا سعی در بستن مسیر آزادی اندیشه دارند، قفل نهاده است. خداوند مردم را به فهم و تدبیر دعوت کرده است تا فکر و شریعت قرآن برای مردم در زندگی آشکار شود.

قرآن کریم همراه با بیان مسائل عمیق اعتقادی اشکالات و شبهاتی طرح می‌کند تا مخاطب خود را به اندیشه وادارد. برای مثال، هنگام سخن گفتن از معاد و قیامت شبهه‌های منکران معاد را نیز بیان می‌کند که با نگاه انکارآمیز هستی خود را منحصر در دنیا می‌دانستند و هلاکت را به طبیعت نسبت می‌دادند (جوادی، همان، ص ۴۸۴): «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه/۲۴) (آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست. گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند.) با توجه به این آیات قرآن کریم انسان‌ها را به آزادی در تعمق، تفکر و اندیشه فراخوانده است، لذا نمی‌تواند با آزادی اندیشه مخالف باشد. در جامعه اسلامی ایران نیز می‌توان از این آیات در سیاست‌گذاری در حوزه اندیشه بهره برد.

ج) آزادی بیان

یکی از موارد بهره‌گیری از قرآن در سیاست‌گذاری جامعه اسلامی آزادی بیان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/۱۸-۱۷) (پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند). این آیه به صراحت بیانگر آزادی انسان‌ها در استماع هر گونه کلامی است که از میان کلام نیکو یا غیرنیکو (اقوال مختلف) بهترین آنها را برگزینند. اینکه مسلمانان از این امکان برخوردارند که از میان افکار و عقاید مختلف بهترین را برگزینند، خود بر آزادی بیان و قلم دلالت دارد. اینکه قول احسن و نیکو چیست باید در جایی دیگر بدان پرداخت، در اینجا بحث این است که انسان‌ها آزادند هر چیزی را بشنوند و به آن گوش دهند؛ البته نه آن‌گونه که هر مطلبی را به صرف شنیدن و خواندن باور کنند و بدون استنباط و تشخیص درست از غلط به زودباوری مبتلا شوند یا متابعت هوای نفس کنند و هر سخنی را به صرف شنیدن بدون تفکر و تدبیر رد کنند. با توجه به این آیه، امکان



شنیدن سخنان مختلف برای افراد پذیرفته شده است. در واقع باید سخنانی مختلف باشد تا افراد بتوانند از میان آنان قول احسن را انتخاب کنند. لذا همین مسئله دال بر آزادی بیان است. از این آیه می‌توان در سیاست‌گذاری در مسئله آزادی بیان که از اصول ضروری در جمهوری اسلامی ایران است، بهره برد و به افکار، عقاید، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف احترام گذاشت.

آیه‌ای دیگر که برای آزادی بیان در حکومت اسلامی می‌توان به آن استناد کرد آیه «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» (یس/۲۰) است. و [در این میان] مردی [با ایمان] از دورترین جای شهر دوان دوان آمد و گفت: ای مردم از فرستادگان خدا پیروی کنید. اینکه مردی ناشناس از نقطه‌ای دور دست در شهر به میان کافران می‌آید و برخلاف نظر آنان، دیدگاه خود بیان می‌کند، دلیلی بر پذیرش اظهار سخن مخالف در قرآن است.

البته ذکر این نکته ضروری است که آزادی مد نظر در قرآن آزادی بیان به صورت مطلق نیست، زیرا در قرآن ممنوعیت‌هایی در مورد غیبت، تهمت، دروغ و... بیان شده است. لذا می‌توان در سیاست‌گذاری در راستای آزادی بیان از این آیه‌ها بهره برد و نمی‌توان این امکان را در جامعه اسلامی از مردم سلب کرد.

۴. برقراری امنیت در عرصه‌های مختلف

بدون تردید یکی از نیازها و آرزوهای دیرین بشر در حیات انسانی که منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوان شده و در مدنیت اسلامی و آیات قرآن مورد توجهی خاص قرار گرفته، تأمین امنیت در عرصه‌های مختلف است که تا این حد هنوز به وقوع نپیوسته است. بدیهی است پیش از ظهور امام مهدی (عج)، برقراری امنیت کامل و بهینه توسط حکومت‌های دنیایی امکان‌پذیر نیست و این‌گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت امام مهدی (عج) محقق خواهد شد، ولی به این معنا نیست که حکومت‌های دینی و زمینه‌ساز ظهور در این راستا اقدامی نکنند. بدیهی است حرکت و سیاست‌گذاری در این مسیر از ضروریات چنین حکومت‌هایی است.

آیات فراوانی درباره اهمیت امنیت و جایگاه آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان نازل شده است؛ چنان که آیه ۵۵ سوره نور هدف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی مؤمنان و صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت دانسته است: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا



يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آن‌اند که نافرمان‌اند.) علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: «در نتیجه، این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد به زودی جامعه صالحی مخصوص خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند» (طباطبایی، همان، ج ۱۵: ۱۵۱).

۵. نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر

مسئله‌ای دیگر در عرصه عمومی جامعه جمهوری اسلامی ایران که باید در راستای سیاست‌گذاری بر مبنای قرآنی برای حل آن گام برداشت، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. این نظارت همگانی بر امور اجتماعی و سیاسی مسئولان و مردم مورد تأکید قرآن است و اهمیت زیادی دارد. با اجرای صحیح این نظارت عمومی می‌توان برخی مسائل و مشکلات درون جامعه را حل کرد.

اینکه محدوده نظارت همگانی کجاست؟ آیا مطلق حلال و حرام یا احکام شرع دیگری را هم دربرمی‌گیرد؟ توسط چه کسانی باید انجام شود؟ ناظر به همه مردم است یا گروهی خاص از مردم؟ آیا ناظر به حکومت است؟ آیا در این مسئله ضرب و شتم جایگاهی دارد یا نه؟ و... باید به این سؤال‌ها پاسخی روشن داد. به نظر می‌رسد بسیاری از معضلات اجتماعی به علت عدم اجرای صحیح این مسئله است. باید دانست قانون هرچند بهترین باشد، اگر درست اجرا نشود، هیچ مشکلی را از جامعه اسلامی حل نخواهد کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴) (باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگاران‌اند.) با دقت در این آیه روشن می‌شود منظور از «منکم» جماعتی از



مسلمین است که امکان تحقق این دعوت به خیر برایشان میسر است (فضل الله، همان، ج ۶: ۲۰۲)، اما به این معنی نیست که این مهم وظیفه گروهی خاص است و از عهده بقیه ساقط است. اندازه این جماعت به عدد خاصی محدود نیست؛ گاهی همه مسلمین را شامل می‌شود، گاهی به شکل فردی و وظیفه عموم مردم است و اندازه آن به توانایی فرد محدود است و گاهی هم گروهی از مسلمین که می‌توانند مستقل از حکومت اسلامی باشند یا تحت حکومت اسلامی قرار گیرند. لذا این مهم هم وظیفه تک تک افراد جامعه به حسب توانایی‌ها آنها و هم وظیفه حکومت اسلامی است. (همان، صص ۲۰۵-۲۰۲).

با توجه به اختلافی که در مورد «منکم» در آیه وجود دارد، به نظر می‌رسد «من» تبعیضیه باشد تا بیانیه. ظاهر آیه شریفه می‌رساند که برخی مأمور بر امر به معروف و نهی از منکرند. احتمال دارد نهادی دولتی باشد یا نهادهای مردمی باشند. هم‌چنین مراد از خیر در اینجا خیر عموم است و شامل تمام احکام حلال و حرام شرعی، مقتضیات عقلی، فطرت یا دعوت به اسلام می‌شود.

لذا امر به معروف و نهی از منکر هم جنبه فردی دارد که نظارت همگان بر همگان بر حسب توانایی افراد را شامل می‌شود، که شعاع آن محدود به انزجار قلبی و انذار لسانی است و هم جنبه گروهی و جمعی دارد که طبق آیه قرآن، امتی باید در راستای این عمل الهی و حل مشکلات اجتماع گام بردارند. این مهم الهی در این بخش از شئون حکومت اسلامی است و از شعاع وسیع‌تری برخوردار است، لذا امکان برخورد یدی و شدت عمل بیشتر در این مرحله امکان‌پذیر است.

آیه مهم دیگر در این زمینه آیه ۱۱۰ سوره آل عمران است که با فاصله چند آیه در قالب جمله خبری بیان شده است. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمن‌اند ولی بیشترشان نافرمان‌اند).

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی و عمومی مطرح است؛ هم نهادهای دولتی وظیفه دارند مردم را هدایت و راهنمایی کنند و هم مردم باید بر عملکرد دولت نظارت کنند. دلیل تقدم امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خداوند در آیه به علت اهمیت موضوع است؛ زیرا مسئله ایمان به خداوند در امت اسلامی همانند امت‌های پیشین مطرح بوده است، اما آنچه در امت



اسلام تازگی و برجستگی دارد، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است که روابط اجتماعی امت اسلامی را با یکدیگر تنظیم می‌کند.

آیات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان در سیاست‌گذاری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر از آنها بهره برد (رک: آل عمران/ ۱۱۴؛ اعراف/ ۱۵۷؛ توبه/ ۷۱ و ۱۱۲؛ حج/ ۴۱؛ لقمان/ ۱۷). با اجرای صحیح این مسئله و با نظارت همگانی و عمومی بر رفتار مسئولان بر مردم، مردم بر مسئولان و مردم بر مردم در حکومت اسلامی معضلات ناشی از عدم اجرای این وظیفه شرعی در جامعه حل خواهد شد. به تعبیر قرآن «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» چنین افرادی که دعوت به خیر و ممارست به امر به معروف و نهی از منکر کنند رستگارانند. در مقابل، آنان که از مشکلات این مسائل دوری جویند، از خاسرین هستند.

۶. شورا و مشورت با متخصصان

یکی از مسائل مورد اهتمام قرآن که عمل نکردن به آن مشکلاتی در جامعه ایجاد می‌کند مسئله شورا و مشورت است. لزوم مشورت با متخصصان و خبرگان جامعه و تعصب نداشتن بر نظر شخصی خود از امور مورد تأکید قرآن است تا آنجا که پیامبر(ص) در اداره امور عامه مسلمین مأمور به مشاوره با مردم می‌شوند. در آیه ۱۵۹ آل عمران خطاب به پیامبر(ص) آمده است: «و در کارها با آنان (مردم) مشورت کن.» پیامبر(ص) در امور عمومی شورا مشاوره تشکیل می‌دادند و به خصوص برای رأی افراد صاحب‌نظر ارزشی خاص قائل بودند. اصولاً کسانی که در امور مهم با متخصصان و صاحب‌نظران به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند. در مقابل، افرادی که خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌دانند، غالباً گرفتار اشتباه‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند که آثار سوء آن دامن‌گیر آنان و جامعه خواهد شد. انسان هر قدر از لحاظ فکری نیرومند باشد نمی‌تواند به تمام ابعاد مسئله بنگرد، لذا برخی ابعاد بر او ناشناخته می‌ماند. وقتی مسائل در شورا طرح و عقل‌ها، تجارب و دیدگاه‌های متفاوت با هم جمع می‌شوند، می‌توان تصمیمی کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص و به دور از لغزش و انحراف گرفت. در عین حال، مسالمت و عطوفت میان افراد جامعه بیشتر می‌شود که خود به افزایش آگاهی و بصیرت و حصول وحدت و قاطعیت در تصمیم‌گیری‌ها می‌انجامد.

قرآن در آیه‌ای دیگر ضمن بیان ویژگی‌های مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری/ ۳۸) (و کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان در



میان‌شان مشورت است.) در این آیه مسئله شورا و مشورت در کنار ایمان به خدا و نماز قرار گرفته که حاکی از اهمیت زیاد این مسئله در قرآن است. تعبیر به «امر» به مشورت و مراجعه به صاحبان عقل و اندیشه، تمام امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود.

در روایات نیز تأکید بسیاری بر مشاوره شده است. در سخنی از امام علی(ع) آمده است: «من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شاركها فی عقولهم»^۱ (نهج البلاغه: ۵۰۰).

قرآن کریم حتی در اجتماع کوچک نظام خانواده نیز دستور به مشورت داده که نشان از اهمیت مشورت در امور از نگاه قرآن دارد. پدر و مادر در بازگرفتن فرزند از شیر قبل از دو سالگی باید مصالح فرزند را در نظر بگیرند و با هم‌فکری و توافق و به تعبیر قرآن، تراضی و تشاور برای این کار برنامه‌ای تنظیم کنند. قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/۲۳۳) (اگر آن دو با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست).

سزاوار است در جامعه‌ای اسلامی مسئولان امر با مراجعه به کارشناسان و متخصصان متعهد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در راستای حل مشکلات گام بردارند.

آنچه تا اینجا مطرح شد، بیشتر در حوزه سیاست‌گذاری داخلی بود (عدالت، آزادی، امر به معروف و نهی از منکر و شورا)، اما در ادامه به مواردی اشاره می‌شود که کاربرد آنها بیشتر در حوزه سیاست‌گذاری خارجی است.

۷. نفی سبیل

یکی از موارد استفاده از قرآن در حوزه سیاست‌گذاری خارجی مسئله عدم تسلط کفار و غیرمسلمانان بر مؤمنین است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند بدون ارتباط با دنیای خارج نیازهای خود را تأمین کند، نیازمند همکاری و روابط اجتماعی در عرصه‌های داخلی و خارجی است. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۲۰۰) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهداری کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید). برخی «رابطوا» را به همکاری و روابط اجتماعی در عرصه داخلی و خارجی تعبیر کرده‌اند. برخی رابطه را به معنای مرزداری در مفهوم جنگی می‌دانند (رک: طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۱۸؛ ابن عاشور، قرن چهاردهم، ج ۳: ۳۱۸).

۱. کسی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند در عقل آنها شریک شده است.



عده‌ای دیگر این واژه را به همان معنای مزدداری گرفته اما مزدداری را توسعه داده‌اند، بدین معنا که انسان [باید] آماده هر گونه دفاع از خود، جامعه اسلامی و مرزهای اسلام چه مرزهای فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد (رک: فضل‌الله، همان، ج ۶: ۴۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۳۳). برخی مرابطه در این آیه را به معنای تحقق ارتباط و وابسته شدن می‌دانند که شامل همکاری‌های اجتماعی می‌شود و برای آن مراتبی قائل شده‌اند: ارتباط بین امت و امام، ارتباط بین مردم و امت و استحکام و ثبات از جهت تجهیزات و قوای لازم برای دفاع از خود و حفظ منافع‌شان (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۲۸). آیت‌الله طالقانی نیز مفهوم رابطه را به سراسر احکام عبادی، اقتصادی و اجتماعی برای ساختن مجتمع توحیدی یکسان و تبادل روابط توسعه داده است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۶۴). علامه طباطبایی در توضیح مرابطه با توسعه مفهوم آن معتقد به هر نوع همکاری و روابط اجتماعی در عرصه‌های مختلف است و رابطوا را به معنای ایجاد ارتباط میان نیروها و افعال جامعه می‌داند. (طباطبایی، همان، ج ۴: ۹۷-۹۶).

اما در این ارتباط باید مراقب بود که مسلمانان با حفظ شرط ایمان تحت سلطه کفار در نیایند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) (و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است). با توجه به اینکه نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌دهد، کلمه «سبیل» از این قاعده پیروی می‌کند. لذا از آیه مستفاد می‌شود که کافران از هیچ نظر بر افراد با ایمان (مؤمنین) چیره نخواهند شد. اگر در زمان‌های مختلف و در عرصه‌هایی پیروزی غیرمسلمانان را بر مسلمانان می‌بینیم، به علت عدم ایمان واقعی مسلمانان است؛ همان‌گونه که در آیه عدم تسلط کفار بر مؤمنین به ایمان مشروط شده است. بنابراین، مؤمنان باید با آگاهی و علم و اتحاد و اخوت اسلامی زمینه هر گونه تسلط غیرمسلمانان بر مؤمنان را در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ببندند.

البته برخی این عدم تسلط را به آخرت تعبیر کرده‌اند (طبری، ج ۵: ۲۱۴). علامه طباطبایی احتمال می‌دهد این نفی سبیل اعم از دنیا و آخرت باشد (طباطبایی، همان، ج ۵: ۱۱۶) و می‌گوید: احتمال هم دارد که نفی «سبیل» اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالب‌اند مادام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند؛ چنان که در جای دیگر این وعده را به صراحت داده و فرموده است: «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (ال عمران/۱۳۹) (و سست مشوید و اندوهگین مباشید که اگر مؤمن باشید، شما برترید).



در ادامه آیه قبل نکته دیگری که در برقراری رابطه با غیرمسلمانان باید توجه کرد این است که نباید کفار را به عنوان ولایت، تکیه‌گاه و سرپرست خود اتخاذ کنند، و باید از آن بپرهیزند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء/۱۴۴) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید). در آیه بعد هم خدای تعالی ترک ولایت مؤمنین و قبول ولایت کفار را «نفاق» می‌داند و مؤمنین را از سقوط در آن برحذر می‌دارد.

پس با توجه به «ابطوا» که هر نوع رابطه و همکاری اجتماعی را شامل می‌شد و با توجه به آیات مذکور که تسلط و ولایت کفار بر مؤمنین را نفی می‌کند، مشخص می‌شود اصل ارتباط و همکاری اجتماعی با غیرمسلمانان بدون اشکال است، اما باید مراقب بود که تسلط و برتری بر مسلمانان نداشته باشند و آنها را به عنوان ولی و تکیه‌گاه نپذیریم که آن هم با شرط ایمان و عمل به دستورهای اسلام همان گونه که قرآن وعده داده، قابل تحقق است. لذا در سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی ارتباط با کشورهای غیرمسلمانان با حفظ اصول ایمانی و عدم تسلط و ولایت کفار بر مسلمانان برای حل مسائل جامعه اسلامی می‌توان از این آیه استفاده کرد.

۸. افزایش توان دفاعی

یکی از مسائل امروز جامعه اسلامی ایران مسئله قوت و توان دفاعی در زمینه‌های دفاعی، فکری و اندیشه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران با وضعیتی حساس که در این برهه از زمان دارد و مسئولیتی که برای خود در جامعه جهانی طراحی کرده، نیاز به تقویت خود در عرصه‌های مختلف دارد که در این زمینه باید با توجه به آیات قرآن سیاست‌گذاری کرد. قرآن کریم در این ارتباط اصلی اساسی دارد و می‌فرماید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید). تعبیر آیه به قدری عمومیت دارد و بر هر عصر و زمان و مکانی منطبق است که نه تنها لوازم جنگی و سلاح‌های پیشرفته هر دوره‌ای را شامل می‌شود، بلکه تمام نیروها و قدرت‌ها اعم از نیروهای مادی و معنوی را که به گونه‌ای در پیروزی بر دشمنان مؤثرند دربرمی‌گیرد.

برخی مفهوم «قوه» را توسعه می‌دهند و معتقدند پیروزی و غلبه بر دشمن تنها به سلاح‌های جنگی اختصاص ندارد و از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که در مفهوم «قوه» مندرج‌اند و نقشی بسیار مؤثر در پیروزی بر دشمن دارند، نیز نباید غفلت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۳). برخی نیز مفهوم سلاح جنگی را



توسعه می‌دهند و علاوه بر ادوات جنگی که در گذشته مرسوم بوده است، معتقدند در هر عصری با توجه به نیاز و ضرورت آن عصر سلاح‌های جنگی متفاوت است و مسلمانان باید برای مقابله با دشمنان به آنها مجهز شوند. عرصه‌های جنگی را نیز به حوزه نظامی محدود نمی‌کنند، بلکه مسلمانان باید در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی و دفاعی خود را تقویت کنند (فضل‌الله، همان، ج ۱۰: ۴۰۸).

همان‌گونه که بیان شد، قرآن شرط عدم برتری و غلبه کفار بر مسلمانان را ایمن می‌داند. این آیه از جمله لوازم برتری بر کفار و جبران عقب‌ماندگی‌ها در جامعه جهانی امروز را همین دستور قرآنی می‌داند که مسلمانان در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و دفاعی باید خود را تقویت کنند.

نتیجه

به نظر می‌رسد با استفاده از روشی که به طور فشرده مطرح شد، بتوان شیوه‌ای سیاست‌گذاری را با محوریت قرآن ارائه کرد. البته این مسئله نیاز به تبیین بیشتر با اتکا به مطالعات گسترده در زمینه‌های مختلف با محوریت قرآن دارد. در این نوشتار تلاش شد مسئله سیاست‌گذاری با تمرکز بر قرآن کریم تبیین شود. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این زمینه قرار دارد، چگونگی سیاست‌گذاری صحیح با مبانی اسلامی اجتماع است. به منظور دستیابی به پاسخی برای این مسئله پس از بیان نقص جدی در این زمینه و ضرورت رسیدن به سیاست‌هایی اندیشمند در راستای پیشرفت و تحول جامعه اسلامی ایران و حرکت در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی، الگوی قرآنی در عرصه‌های مختلف ارائه شد. لذا مباحثی مانند عدالت، آزادی، احترام به افکار، عقاید، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها، تقویت قوای فکری و دفاعی و... که به آن اشاره شد، از اموری ضروری است که امروز باید بدان توجه شود. به این امید که طرح چنین مباحثی گامی راهگشا باشد.



- قرآن کریم
 - احمدی، محمد امین (۱۳۸۳)، انتظار بشر از دین، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱)، شورای انقلاب فرهنگی.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۰)، فقه پژوهی قرآنی: درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام، قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن، قم: اسراء.
- حسین لی، رسول (۱۳۷۹)، اصول و مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات آن.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۶)، قرآن شناخت: مباحثی در فرهنگ و فرهنگ آفرینی قرآن، تهران: ناهید.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، الرسائل، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۲)، هفده سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳-۱۳۸۰، تهران: دانش‌پرور.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه دهخدا، تهران.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فصل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فصل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- علی بن ابی طالب (ع)، نهج‌البلاغه، قم: دارالهجره.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- مجید، وحید (۱۳۸۰)، «درآمدی بر سیاست‌گذاری عمومی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۲.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۹ ش)، جاذبه و دافعه علی(ع)، قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، ترجمه قرآن کریم، قم: دارالقرآن الکریم.



- مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱-۱۴۰۹)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم.

منابع عربی

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، قرن چهاردهم.
- ابوحامد محمد بن محمد الغزالی (۱۹۸۵)، جواهر القرآن، بیروت: داراحیاء العلوم.
- الاصفهانی، راغب (۱۴۱۶ هـ ق)، مفردات، دمشق: دارالقلم.
- اللبنانی، الشرتونی سعید خوری (۱۳۷۴ ش)، اقرب الموارد فی فصیح العربیه، المطبعه اسوه.
- شیخ رضی، نهج البلاغه، با شرح و تفسیر صبحی الصالح، قم: منشورات مرکز البحوث الاسلامیه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دارالمعرفه.
- عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۰۰ ق)، قم: سیدالشهداء.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، مصباح المنیر، قم: دارالهجره.

